

روزنامه مستقل

دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

پنج شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴

شماره ۱۸۰۲

دست هایت که آیینه تلاش روزگارتد پر برکت باد
توان دست هایت را می ستایم
ای سازنده ترین نقش هستی در قاموس آفرینش
۱۱ اردیبهشت ماه، روز جهانی کارگر مبارک باد

گردشگری دریامحور؛

فرصتی تازه یا رؤیایی
دیگر روی آب؟

در ستایش تصمیم دولت برای بازپس گیری
اراضی میانکاله از پروژه پتروشیمی

ایستاده بر مرز
توسعه و تخریب

کشف و پلمب مرکز عرضه
۵۰ کالای سلامت محور
غیرمجاز در کرج

کارگر و یک روز جهانی و هزار درد بومی؛

زخمی
بر دست،
زنجیری
بر سیاست



یاد و خاطره شهدا،
به ویژه **شهید
محمدعلی رضایی**
تجربق که ۱۴ تیر به
مقام شامخ شهادت
نائل گشت، گرمای باد



آمریکا و اوکراین قرارداد مواد معدنی امضا کردند

رسانه های غربی اعلام کردند که آمریکا و اوکراین توافقنامه ای در مورد دسترسی به منابع طبیعی کمیاب اوکراین امضا کردند. این توافق به آمریکا دسترسی ممتاز به پروژه های سرمایه گذاری جدید برای توسعه منابع طبیعی اوکراین، از جمله آلومینیوم، گرافیت، نفت و گاز طبیعی، را فراهم می کند. آمریکا و اوکراین یک یادداشت تفاهم را که در ۱۸ آوریل (۲۹ فروردین) منتشر شد، به عنوان گام اولیه برای دستیابی به توافقی در زمینه توسعه منابع معدنی در اوکراین امضا کردند. دو طرف در این یادداشت تفاهم اعلام کردند که هدف آن ها تکمیل مذاکرات تا ۲۶ آوریل (۶ اردیبهشت) و امضای این توافقنامه در اسرع وقت است



پنج شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۲

دنیای سه وادار

رویداد

حرف اول

تحلیلی بر اظهارات ترامپ درباره جنگ اوکراین و روایت وارونه ای از واقعیت؛

دونالد، انزواگرای بحران ساز



نگار سلحشور

در صحنه ای دیگر از نمایش بی پایان دونالد ترامپ، رئیس جمهوری سابق و شاید آینده آمریکا، این بار نوبت به «نجات اوکراین» رسیده است. در مصاحبه ای تازه، ترامپ ادعا کرده که «فکر می کند دارد اوکراین را نجات می دهد»؛ کشوری که به تعبیر او در آستانه فروپاشی است. اما وقتی سخن از نجات می رود، باید پرسید: نجات از چه؟ و مهم تر از آن، نجات توسط چه کسی و با چه هزینه ای؟

در ظاهر، ترامپ خود را ناجی اوکراین می نامد. اما در باطن، چیزی جز سیاست دیرینه «انکار مسئولیت» و «برون سپاری فجایع» در سخنان او دیده نمی شود. اینکه او جنگ را میراث بایدن می داند و تأکید می کند «نمی خواهد آن را به دوش بکشد»، نه یک راهبرد سیاسی، بلکه نوعی شانه خالی کردن تمام عیار از واقعیتی است که جهان امروز با آن دست و پنجه نرم می کند.

ترامپ با صراحت می گوید که اگر در انتخابات ۲۰۲۰ پیروز شده بود، جنگ اوکراین و روسیه هرگز آغاز نمی شد. این ادعا، مانند بسیاری از ادعاهای دیگر او، بر پایه هیچ سند و تحلیلی نیست و بیشتر به نوعی نوشتاری قدرت از دست رفته شباهت دارد. ترامپ صلح را در انجماد وضعیت و سازش با متجاوز می بیند، نه در استقرار عدالت و پایان دادن واقعی به اشغالگری. در ادامه، او تهدید می کند که در صورت ناکامی مذاکرات صلح، ایالات متحده ممکن است به طور کلی از روند صلح خارج شود. این تهدید، در ذات خود، نه تنها فشار دیپلماتیک محسوب نمی شود، بلکه پیام روشنی برای کرملین است: راه برای ادامه تجاوز باز است، اگر متحدان اوکراین عقب نشینی کنند.

تکرار «روایت وارونه»

جالب اینکه ترامپ مدعی است «طرف اوکراین» است، اما از ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، اعلام براءت می کند. همین فاصله گذاری ساختگی،

ندارد، بلکه بی احترامی به رنج مردم اوکراین و مبارزات مشروع آن ها در برابر تجاوز روسیه است. اینکه ترامپ آشکارا می گوید «نمی خواهم درگیر این جنگ باشم»، بیش از آنکه نشانه ای صلح طلبی باشد، بازگشت به سیاست انزواگرایی کلاسیک آمریکاست که در دهه های اخیر بارها فاجعه آفریده است، از افغانستان تا سوریه. این سیاست در جهان به هم پیوسته ای امروز، نه تنها نجات بخش نیست، بلکه می تواند بازتولیدگر جنگ های تازه باشد.

آینده ای مبهم برای دیپلماسی آمریکایی

سیاست خارجی آمریکا در قبال بحران اوکراین، در دوران ترامپ همواره با نوعی بلاتکلیفی و تناقض همراه بود. از یک سو، فروش تسلیحات به اوکراین انجام شد، و از سوی دیگر، تماس های پشت پرده با کرملین و تقابل آشکار با ناتو هم به چشم می خورد. اکنون نیز این تداوم دوگانگی، نشانه ای ناپایداری راهبردی ترامپ و نوعی شخصی سازی افراطی در تصمیم گیری های کلان است. اگر چنین رویکردی در آینده به سیاست رسمی آمریکا بدل شود، تنها قربانی اش نه زلنسکی، بلکه مردمی خواهند بود که زیر بمباران ها در شرق اروپا جان می دهند؛ و آن گاه، نجات ادعایی ترامپ چیزی جز یک برگ دروغین در تاریخ سیاست نخواهد بود.

نجات اوکراین یا نجات محبوبیت خود؟

ترامپ همواره در برابر افکار عمومی آمریکا، نیازمند روایتی است که خود را از مسئولیت های دولت پیشین و ساختار سیاست خارجی آمریکا برهاند. جنگ اوکراین، در این چارچوب، ابزار جدیدی برای روایت سازی است؛ روایتی که در آن ترامپ نجات بخش است و بایدن آغازگر فاجعه. اما این داستان سازی ها نه تنها با واقعیت ژئوپلیتیکی جنگ در اوکراین تطابق

«گروسی»: توافق با ایران بسیار مهم است

وی گفت: «آن ها (ایران و آمریکا) برای مدت طولانی اصلاً با یکدیگر صحبت نمی کردند، همیشه به صورت غیرمستقیم یا به روش هایی که خیلی مؤثر نبود. این مسائل برای صلح و امنیت جهانی بسیار بنیادین هستند و باید اطمینان حاصل کنیم که طرف ها با هم گفت و گو کنند و آن ها حالا دقیقاً همین کار را می کنند».

وی ادامه داد: «به همین دلیل است که این روند نباید شکست بخورد، و ما نقش خود را نقشی حمایتی اما هم زمان حیاتی می دانیم؛ به ویژه به خاطر تعهداتی که ممکن است درباره غنی سازی، یا حتی ادعاهایی درباره ابعاد نظامی یا فعالیت های دیگر مطرح شود. فراموش نکنید که این یک برنامه هسته ای پیشرفته و پیچیده است که باید نظارت شود».

ذخایر هم بیشتر می شوند. بنابراین، ما باید فوراً به این موضوع رسیدگی کنیم. ما می دانیم که این نگرانی می تواند به موضوعی بزرگ تر تبدیل شود که باید به شدت از آن جلوگیری کنیم».

گروسی در پاسخ به این پرسش که «آیا تصور می کنید در چارچوب توافق جدید، نقش آژانس برای راستی آزمایی لحاظ خواهد شد؟» گفت: «اول از همه، باید ببینیم این مذاکرات که گفت و گو هایی بسیار مهم هستند، به نتیجه می رسند یا نه. این بسیار بسیار مهم است. فکر می کنم این هم اهمیت دارد که (استیو ویتکاف و عباس) عراقچی با ما صحبت می کنند. آن ها با یکدیگر نیز (به صورت غیرمستقیم) گفت و گو می کنند، که البته جزء ضروری ماجراست؛ چون این توافق، توافق آن هاست، نه توافق آژانس».

مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی که این روزها در اظهار نظرهای مختلف بر اهمیت نقش کلیدی این نهاد در توافق احتمالی میان ایران و آمریکا تأکید دارد، تصریح کرد که موفقیت مذاکرات و دستیابی به توافق با ایران، برای کاهش تنش ها بسیار مهم است.

رافائل گروسی در مصاحبه ای با نشریه آمریکایی یواس نیوز ادعا کرد که گام های جبرانی ایران در برجام و غنی سازی اورانیوم در سطح کنونی «مایه نگرانی است و من در این باره به طور مستقیم با هم تائیان ایرانی ام گفت و گو کرده ام».

مدیرکل آژانس در ادامه فضاسازی های سیاسی غرب علیه برنامه صلح آمیز هسته ای کشورمان گفت: «هرچه زمان می گذرد، وضعیت بدتر می شود، چون حتی اگر کاری از نظر دیپلماتیک و سیاسی صورت نگیرد، سانتریفیوژها همچنان می چرخند و



پارلمان‌های محلی، سنگ بنای

دموکراسی شهری

محسن راعی

در بسیاری از کشورهای دنیا، پارلمان‌های محلی نقش اساسی در نظام حکمرانی شهری ایفا می‌کنند. این نهادها به عنوان بازوی دموکراتیک اداری شهرها، پلی میان دولت مرکزی و جامعه‌ی محلی هستند و تصمیم‌سازی و نظارت بر امور شهری را بر عهده دارند.

در بسیاری از کشورهای دنیا، پارلمان‌های محلی (که با نام‌هایی چون شوراهای شهر، شوراهای محلی یا مجالس شهری نیز شناخته می‌شوند) نقش اساسی در نظام حکمرانی شهری ایفا می‌کنند. این نهادها به عنوان بازوی دموکراتیک اداری شهرها، پلی میان دولت مرکزی و جامعه‌ی محلی هستند و تصمیم‌سازی و نظارت بر امور شهری را بر عهده دارند.

پارلمان‌های محلی بسته به ساختار سیاسی و قانونی هر کشور، وظایف متنوعی دارند که می‌توان آن‌ها را در چند محور کلی خلاصه کرد:

۱. قانون‌گذاری محلی: تصویب مقررات، آیین‌نامه‌ها و مصوبات محلی در حوزه‌هایی چون حمل‌ونقل عمومی، مدیریت پسماند، ساخت‌وساز، و محیط‌زیست شهری.

۲. نظارت بر عملکرد اجرایی: ارزیابی عملکرد شهرداری، بررسی بودجه‌ها، و استیضاح یا پرسش از مدیران اجرایی شهری.

۳. تصویب بودجه و برنامه‌های توسعه‌ای: تخصیص منابع مالی به پروژه‌های شهری، نظارت بر اجرای برنامه‌های عمرانی و خدماتی.

۴. نمایندگی مردم: بازتاب نیازها، مشکلات و خواسته‌های شهروندان در تصمیمات کلان شهری و فراهم کردن بستر مشارکت عمومی.

۵. سیاست‌گذاری شهری: تعیین جهت‌گیری‌های کلان در حوزه‌هایی مانند مسکن، فرهنگ، آموزش شهری و زیرساخت‌ها. نمونه‌هایی از پارلمان‌های محلی موفق

۱. شورای شهر بارسلونا (اسپانیا): بارسلونا یکی از نمونه‌های موفق مشارکت شهروندی و برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر داده است. شورای این شهر با تکیه بر شفافیت، مشاوره عمومی گسترده، و ابتکارات دیجیتالی مانند پلتفرم Decidim، توانسته تصمیمات شهری را به صورت جمعی و مشارکتی اتخاذ کند.

Decidim (به معنای «ما تصمیم می‌گیریم» به زبان کاتالان) یک پلتفرم متن‌باز (open-source) برای دموکراسی مشارکتی است که نخستین بار توسط شهرداری بارسلونا در سال ۲۰۱۶ توسعه یافت.

این پلتفرم با هدف ایجاد ابزار دیجیتالی برای مشارکت مستقیم شهروندان در فرآیندهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر عملکرد نهادهای عمومی راه‌اندازی شد.

۲. شورای محلی آمستردام (هلند): آمستردام با ساختار شوریایی قوی و تمرکز بر توسعه پایدار، حمل‌ونقل پاک، و سیاست‌گذاری سبز، الگوی مدیریت شهری مبتنی بر آینده‌نگری است. اعضای شورای شهر نقش کلیدی در تنظیم طرح‌های توسعه شهری و تعامل میان‌ذی‌نفعان دارند.

۳. شورای محلی پورتلند (ایالات متحده آمریکا): پورتلند به دلیل ساختار شورایی غیرمتمرکز و حمایت از برنامه‌ریزی منطقه‌ای مشهور است. این شورا از جمله نمونه‌هایی است که در آن اعضا مسئول حوزه‌های خاصی از شهر نیستند، بلکه به طور جمعی درباره کل شهر تصمیم‌گیری می‌کنند. این مدل باعث افزایش یکپارچگی و هماهنگی در سیاست‌گذاری شده است.

۴. شورای شهر سئول (کره جنوبی): شورای شهر سئول توانسته با نظارت مؤثر بر پروژه‌های شهری و استفاده از فناوری‌های نوین در مدیریت هوشمند شهری، به یکی از نهادهای برجسته در حکمرانی شهری آسیا تبدیل شود. در این شهر، ارتباط پیوسته میان مردم، شورا و شهرداری نقش مهمی در کاهش فساد و افزایش بهره‌وری ایفا کرده است.

پارلمان‌های محلی در عمل، مغز متفکر مدیریت شهری محسوب می‌شوند. آن‌ها با تصویب سیاست‌ها و بودجه‌ها، مسیر توسعه و کیفیت زندگی شهروندان را مشخص می‌کنند. همچنین نقش تعادل‌بخش میان نهادهای اجرایی (شهرداری) و مردم را ایفا کرده و از انحصار قدرت در نهادهای دولتی جلوگیری می‌کنند.

اساسنامه جدید سازمان حمل و نقل ریلی شهرداری کرج ابلاغ شد

مظاهر سعیدی در گفت‌وگو با پایگاه خبری کرج امروز، با اعلام این خبر گفت: پیرو مصوبه شورای اسلامی شهر کرج و با استناد به بند (۱۵) ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و ماده ۸۴ قانون شهرداری، اساسنامه جدید سازمان حمل و نقل ریلی شهرداری کرج مشتمل بر ۳۹ ماده به تایید رسید و برای اجرا به مدت چهار سال تصویب شد.

با ابلاغ اساسنامه مذکور که با تلاش‌های این دفتر صورت گرفت، اساسنامه قبلی سازمان حمل و نقل ریلی شهرداری لغو شد و فعالیت‌های این سازمان بر اساس اساسنامه جدید تعیین شده است که به طور قطع زمینه را برای توسعه و نوسازی هرچه بیشتر این حوزه فراهم می‌کند.



دنیای سوادادار

۳ در شهر

پنج شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ شماره ۱۸۰۲

از «البرز» چه خبر؟

پیام تبریک شهردار فردیس به مناسبت روز کارگر



شبانه‌روزی شما، چراغ راه پیشرفت و شکوفایی این شهر است. با افتخار و احترام فراوان، فرا رسیدن این روز فرخنده را به همه کارگران زحمت‌کش و پرتلاش فردیس تبریک عرض می‌کنم و آرزوی موفقیت و سربلندی برای شما و خانواده محترمان دارم. امیدوارم در آینده نیز با همت و تلاش خستگی‌ناپذیرتان، شاهد پیشرفت روزافزون شهر فردیس باشیم.

شهردار فردیس در پیامی فرا رسیدن روز جهانی کارگر را به تمامی کارگران این شهر تبریک گفت و از تلاش‌های شبانه‌روزی آنان در آبادانی و توسعه فردیس قدردانی کرد.

متن این پیام به شرح ذیل است: روز جهانی کار و کارگر، فرصتی مغتنم است تا از نقش بی‌بدیل شما عزیزان در آبادانی و توسعه شهر فردیس قدردانی نمایم. همت بلند و تلاش

قدرتانی بسیج رسانه از کمیسیون فرهنگی شورای شهر کرج

وی با بیان اینکه نگاه ما به مسائل فرهنگی، اجتماعی و ورزشی معطوف به شورا نیست، اظهار داشت: باید با خرد جمعی و استفاده از نظر نخبگان به سمت ساختن شهری پویا گام برداشت.

عضو شورای شهر کرج خاطرنشان کرد: بحمدالله مجموعه بسیج رسانه و همینطور دیگر رسانه‌ها به حق کمک‌حال مدیران در پیشبرد اهداف مدیریت شهری هستند که می‌تواند از این فرصت و همسویی، جهت برنامه‌ریزی برای آینده بهتر، سود برد.

وی خاطرنشان کرد: مجموعه رسانه‌های استان و خبرنگاران محترم، همیشه و در همه حال کنار مجموعه شورا و شهرداری بوده‌اند که به نوبه خودم به این عزیزان خداحوت عرض می‌کنم.

به گزارش پایگاه خبری کرج امروز، ابراهیم نوروزی‌فر با حضور در شورای شهر کرج از حسین سعیدی سیرابی رییس کمیسیون فرهنگی به پاس همراهی با این مجموعه، با اهداء لوح، قدردانی کرد.

در این دیدار رییس کمیسیون فرهنگی شورا با اشاره به نقش بسیج رسانه در آگاهی‌بخشی به جامعه، اظهار کرد: از تلاش‌های بسیج رسانه در تبیین موضوعات روز جامعه و برگزاری جشنواره وزین ابودر در حوزه رسانه، صمیمانه سپاسگزارم. حسین سعیدی سیرابی گفت: اعتقاد دارم اقدامات انجام گرفته در کمیسیون فرهنگی جزو وظایف ذاتی ما بوده که این فرصت را غنیمت شمرده و از اعضای محترم کمیسیون قدرتانی می‌کنم.



رییس بسیج استان البرز از رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شورای شهر کرج بخاطر اقدامات انجام شده، قدردانی کرد.

مسعود محمدی: موفقیت دوره ششم حاصل تلاش ۱۳ عضو شورا است



خواهند شد. رئیس شورای شهر کرج از جمله این پروژه‌های شاخص را تکمیل پلاتوی فرهنگی، احداث سالن چندمنظوره در مناطق ۳ و ۷، کلنگ‌زنی در حصارک و شیخ‌آباد و همچنین ادامه پروژه‌های توسعه مترو تا دانشگاه خوارزمی ذکر کرد.

این مسئول تأکید کرد: با وجود تمام چالش‌ها، نگاه ما به آینده مثبت است و امیدواریم با تلاش جمعی و همراهی همه عزیزان، پروژه‌های شهری کرج به موقع به بهره‌برداری برسند و کیفیت زندگی شهروندان ارتقاء یابد.

وی خاطرنشان کرد: مسئولیت سنگینی بر دوش ماست و به یاری خداوند، این امانت را به بهترین شکل ممکن به سرانجام خواهیم رساند.

نتیجه کار گروهی و تلاش جمعی اعضای شورا است و من هیچ‌گاه این موفقیت‌ها را به نام یک فرد خاص ثبت نمی‌کنم.

این مسئول افزود: وقتی در ابتدای دوره فعالیت خود را شروع کردیم، پروژه‌های مهمی مانند زیرگذر ماهان در دست اجرا بود. به مرور زمان و با کسب تجربه، روند اجرای پروژه‌ها تسهیل شد.

وی اذعان کرد: طی دو سال گذشته، با مدیریت منسجم و تمرکز بیشتر، آرامش و کارآمدی به فضای شورا بازگشت و توانستیم با هماهنگی میان اعضا، گام‌های مؤثرتری برداریم.

محمدی ادامه داد: در ده ماه گذشته که مهلت شورا تمدید شده است، پروژه‌های متعددی آغاز شده‌اند که به امید خدا در زمان‌بندی مناسب افتتاح

رئیس شورای شهر کرج موفقیت دوره ششم شورای شهر را حاصل تلاش تمامی اعضا و همراهی و همفکری مجموعه مدیریت شهر و استان ارزیابی کرد. رئیس شورای اسلامی شهر کرج در جمع هیئت مدیره خانه مطبوعات استان البرز ضمن ابراز همدردی با آسیب‌دیدگان حادثه اخیر بندرعباس، اظهار کرد: در گفت‌وگویی که با مسئولان شورای شهر بندرعباس داشتیم، آمادگی کامل خود را برای هر گونه کمک، اعم از تجهیزات، مادی و معنوی، اعلام کردیم. خوشبختانه دوستان ما در بندرعباس اعلام کردند که از نظر تجهیزات امدادی و آتش‌نشانی در وضعیت مناسبی قرار دارند و با تدابیر به موقع، آتش به سایر کانتینرها سرایت نکرد و مهار شد.

وی اذعان کرد: هم‌اکنون نیروهای هلال احمر و کمیته امداد در حال جستجو برای یافتن مفقودین حادثه هستند. هرچند خسارات مالی بسیار سنگین بوده است، اما امیدواریم با همدلی و حمایت ملی، این دوران سخت به خوبی سپری شود.

محمدی در بخش دیگری از سخنان خود به عملکرد شورای شهر اشاره کرد و گفت: با گذشت زمان، شوراها به پختگی بیشتری دست یافته‌اند. در دوره فعلی شورای شهر کرج نیز ما شاهد ارتقاء سطح تعاملات، انسجام داخلی و تسریع در روند تصمیم‌گیری‌های بوده‌ایم.

رئیس شورای شهر خاطرنشان کرد: این پیشرفت

مسائل ومشكلات

دانشجویان طب سنتی،

مدون شد

معاون تعالی دفتر طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت گفت: پس از ماه‌ها بررسی، تمامی مشکلات و پیشنهادات دانشجویان رشته‌های طب سنتی، داروسازی سنتی، تاریخ پزشکی و طب سوزنی در سندی ۳۰ صفحه‌ای تدوین شده است، حل مشکلات دانشجویان اولویت ماست.

به گزارش «دنیای هودار» به نقل از ویدا، سید مهدی میرغضنفری در نشست با دانشجویان بر بررسی و تدوین چالش‌ها و راهکارها، تقسیم کار بین نهادهای مسئول و پیگیری مستمر تا حصول نتیجه را از برنامه‌های کلیدی دفتر طب ایرانی و مکمل تأکید کرد.

معاون تعالی دفتر طب ایرانی تصریح کرد: این سند تدوین شده حاصل گفت‌وگو با نمایندگان دانشجویان این رشته‌ها؛ در سراسر کشور است و امروز برای بررسی و اولویت‌بندی نهایی در اختیار همه قرار گرفته است.

وی تأکید کرد: سه مرحله اساسی پیش رو داریم؛ نخست بررسی و اولویت‌بندی مشکلات و راهکارها، سپس تقسیم کار بین نهادهای مسئول و نیز خود دانشجویان و در نهایت پیگیری مستمر برای به نتیجه رساندن هر مورد.

وی خاطرنشان کرد: ما به عنوان تسهیل‌گر و رابط بین دانشجویان، دانشگاه‌ها و معاونت‌های وزارت بهداشت یا در صورت نیاز سایر سازمان‌ها عمل می‌کنیم تا این چالش‌ها به صورت منظم و هدفمند پیگیری شوند.

میرغضنفری با بیان اینکه این اقدامات تأثیر مستقیم بر کیفیت آموزش و انگیزه دانشجویان دارد؛ افزود: هدف نهایی ما تربیت متخصصان کارآمد و ارائه خدمات علمی و استاندارد به مردم است تا شاهد کاهش مراجعات به مراکز غیرتخصصی و بروز عوارض ناشی از آن باشیم.

وی در ادامه سخنان خود با بیان اینکه بعضی تصور می‌کنند امروز نیازی به تلاش برای معرفی طب سنتی و رشته‌های مرتبط نیست، متذکر شد: این تصور صحیح نیست و ما هنوز هم باید برای هرچه بهتر معرفی شدن این رشته ارزشمند و ظرفیت‌های بالای آن در امر بهداشت و درمان در کشور تلاش کنیم.

معاون تعالی دفتر طب ایرانی با اشاره به اهمیت ویژه این نشست تصریح کرد: اهمیت این جلسه از جلسات متخصصین هم مهم‌تر است، چرا که شما دانشجویان، آینده‌سازان واقعی این رشته هستید.

وی با یادآوری خاطرات دوران دانشجویی خود افزود: در گذشته انجمن‌های دانشجویی فعال با صدها عضو از سراسر کشور داشتیم که برنامه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و اجتماعی برگزار می‌کردند که شرکت در همایش‌ها به برگزاری کارگاه‌ها و نگارش و اجرای طرح‌های تحقیقاتی از آن جمله بوده است.

میرغضنفری خطاب به دانشجویان حاضر تأکید کرد: امروز نیز باید همان روحیه جهادی و دانشجویی را زنده نگه دارید، تشکیل انجمن‌های دانشجویی، برگزاری کارگاه‌های تخصصی و همایش‌های علمی و معرفی صحیح طب سنتی به جامعه از اولویت‌های اصلی شما باید باشد.

وی تصریح کرد: برنامه‌ریزی‌های انجام شده در دفتر طب ایرانی و مکمل به گونه‌ای است که تا پایان امسال شاهد پیشرفت‌های محسوس در حل این چالش‌ها خواهیم بود و گزارش‌های ماهانه از روند کار ارائه می‌شود.

نشست صمیمانه مدیرکل دفتر طب ایرانی و مکمل و معاونان این دفتر با هدف بررسی و اولویت‌بندی چالش‌های دانشجویان رشته‌های طب ایرانی، داروسازی سنتی، طب سوزنی و تاریخ علوم پزشکی برگزار شد.



بانوی درمانگر ایرانی برنده مدال اختراعات جهانی شد

سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) جایزه خود در پنجاهمین نمایشگاه اختراعات جهانی ژنو سوئیس را به «هستی حسینی» درمانگر زنان و زایمان از ایران، اعطا کرد. این بانوی ایرانی موفق به استفاده سلول‌های بنیادی در کنترل «چ پی وی» و بهبود زخم دهانه رحم شده ضمن اینکه این اختراع بشردوستانه موفق به دریافت گرید A استاندارد و نوآوری از دبیر کل سازمان جهانی مخترعین (Ifia) و مدال گلد پلاس ویژه از نظر هیات داوران سوییس در ژنو شده است. جایزه وایبو، ارزشمندترین مدال اختراعات جهانی است و معروف به نوبل اختراعات جهانی است که تحت پوشش سازمان ملل در ژنو برگزار می‌شود.

پنج شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ شماره ۱۸۰۲

دنیای هودار

جمعه

سبز

در ستایش تصمیم دولت برای بازپس گیری اراضی میانکاله از پروژه پتروشیمی

ایستاده بر مرز توسعه و تخریب

یاسمن یزدانی

در میانه دهه‌ای که محیط زیست ایران هر روز زخمی تازه بر تن نحیفش می‌بیند؛ از فرونشست‌های خاموش تا خشک شدن تالاب‌ها و شور شدن خاک و آب، تصویب مصوبه دولت برای استرداد اراضی واگذار شده به پروژه پتروشیمی میانکاله، شبیه شعله کوچکی است در دل تاریکی. تصمیمی که باید ستود، ثبت کرد و آن را به الگویی برای حفاظت از سرمایه‌های طبیعی کشور بدل ساخت.

میانکاله، این شبه‌جزیره بی‌نظیر در جنوب شرقی دریای خزر، سال‌هاست به نمادی از تنش میان توسعه صنعتی و زیست‌بوم طبیعی بدل شده است. پروژه پتروشیمی در این منطقه، از همان آغاز محل مناقشه جدی میان نهادهای زیست‌محیطی، مردم بومی، فعالان مدنی و دولت بوده است. منتقدان می‌گفتند پتروشیمی، به‌مثابه یک غول آلاینده، تاب‌آوری اکولوژیکی منطقه را برهم می‌زند، پرندگان مهاجر را فراری می‌دهد، و توازن شکننده اکوسیستم را فرو می‌ریزد. حامیان آن، اما به اشتغال، توسعه و گردش سرمایه استناد می‌کردند، اما حالا با تصویب دولت سیزدهم برای استرداد اراضی واگذار شده، پیام روشنی مخابره شده است: توسعه اگر به قیمت نابودی محیط‌زیست باشد، دیگر توسعه نیست؛ بلکه ویرانی است با ظاهر فریبنده.

بازگشت به عقلانیت محیط‌زیستی

این تصمیم را باید نه صرفاً یک عقب‌نشینی از پروژه‌ای بحث‌برانگیز، بلکه بازگشتی به عقلانیت محیط‌زیستی دانست. در کشوری که سال‌هاست نسبت توسعه و محیط‌زیست در آن نامتوازن بوده، اتخاذ چنین تصمیمی واجد ارزش سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی بالایی است.

مطابق با اسناد بین‌المللی نظیر توافق‌نامه پاریس و اهداف توسعه پایدار (SDGs)، کشورهای جهان موظف‌اند در مسیر رشد اقتصادی خود، از منابع طبیعی حفاظت کنند. با توجه به بحران‌های زنجیره‌ای ایران در حوزه محیط‌زیست، این تصمیم می‌تواند یک «پیام سیاسی» قوی به تمامی نهادها، شرکت‌ها و مدیران ارسال کند: دیگر نمی‌توان به نام توسعه، زمین را فروخت، درخت را برید و تالاب را خشک کرد.

نمی‌توان نقش مردم، رسانه‌ها و فعالان محیط‌زیست را در این پیروزی نادیده گرفت. آنچه رخ داد، حاصل پیوستگی چند صدا بود که اگرچه در ابتدا شنیده نشد، اما رفته‌رفته طنینش شد. از کارشناسانی که هشدار دادند

تا مردم محلی که به شیوه‌های سنتی معیشت می‌کردند و در برابر تخریب زیست‌بومشان ایستادند، همگی بخشی از پازلی بودند که نشان داد قدرت اجتماعی می‌تواند بر پروژه‌های غول‌پیکر فشار وارد کند و مسیر آن را عوض کند.

ماجرای میانکاله، نمونه‌ای بی‌بدیل از امکان‌پذیری تغییر مسیر تصمیمات دولتی از پایین به بالاست. رسانه‌های مستقل، شبکه‌های اجتماعی و کارشناسان دانشگاهی نشان دادند که اگر صدای درست با زبان دقیق و استدلالی بیان شود، می‌تواند به سطوح تصمیم‌گیری نفوذ کند.

ضرورت تسری این سیاست به دیگر پروژه‌ها

اگرچه باید از این تصمیم دفاع کرد، اما نمی‌توان آن را نقطه پایان دانست. بلکه باید آغازی برای بازنگری جدی در سیاست‌های توسعه‌ای کشور باشد. میانکاله تنها یکی از صدها زیست‌بوم در معرض تهدید است. تالاب انزلی، دریاچه ارومیه، جنگل‌های شمال، کوه‌های زاگرس و حتی فضای سبز شهری در تهران و اصفهان، همگی قربانیان توسعه ناپایدار و فقدان پیوست محیط‌زیستی در طرح‌های کلان بوده‌اند.

پیشنهاد شخص آن است که:

پیوست محیط‌زیستی الزام‌آور شود: هیچ پروژه‌ای در کشور نباید بدون پیوست دقیق زیست‌محیطی تصویب شود. حتی در حوزه‌های به‌ظاهر بی‌ربط نظیر ساختمان‌سازی یا حمل‌ونقل.

سازمان محیط زیست استقلال ساختاری یابد: نهادهای زیست‌محیطی باید فراتر از دولت‌ها عمل کنند، نه تابعی از وزارت نفت یا نیرو باشند.

نقشه ملی مناطق حساس تهیه شود: مشخص شدن مناطق قرمز محیط‌زیستی می‌تواند مانع از ورود پروژه‌های آلاینده به این مناطق شود.

حمایت از اکوتوریسم به‌جای صنایع آلاینده: به‌جای پتروشیمی، میانکاله می‌تواند به قطب گردشگری پایدار، پرزده‌نگری و آموزش محیط‌زیست بدل شود.

اقدام دولت در این زمینه می‌تواند به منزله عبور از نگاه کوتاه‌بینانه اقتصادی و نگرستن به آینده‌ای بلندمدت تلقی شود. زیرا حفاظت از محیط‌زیست، در درازمدت، نه تنها اقتصادی‌تر، بلکه اجتماعی‌تر و ملی‌تر است. منابع طبیعی قابل بازگشت نیستند؛ اشتغال را می‌توان ایجاد کرد، اما تالابی را که خشک شد، نمی‌توان احیا کرد. سرمایه‌گذاری در محیط‌زیست، سرمایه‌گذاری در آینده فرزندان این سرزمین است.

محیط‌زیست کرمان اعلام کرد؛ علت تلف شدن توله‌های پلنگ چه بود؟

شده، کاملاً محتمل است.

وی گفت: به‌علاوه، سایر احشای محوطه سینه‌ای و شکمی شامل قلب، کبد، کلیه‌ها، طحال و دستگاه گوارش وضعیت طبیعی داشتند.

پیش از این اداره کل حفاظت محیط زیست کرمان اعلام کرده بود که بر اساس گزارش‌های دریافتی از همیاران محیط زیست، لاشه این توله‌ها سوم اردیبهشت در منطقه کهد شهرستان بافت مشاهده شده است.

پارک ملی خبر در شهرستان بافت استان کرمان قرار دارد و این شهرستان در فاصله ۱۶۵ کیلومتری جنوب غربی مرکز استان کرمان قرار گرفته است.

معاون محیط زیست طبیعی و تنوع‌زیستی اداره کل حفاظت محیط زیست استان کرمان از بررسی لاشه ۲ توله پلنگ ایرانی که چند روز قبل در ارتفاعات منطقه «کهد» پارک ملی خبر (Khabr) مشاهده شده بودند و علت تلف شدن آن‌ها خبر داد.

به گزارش «دنیای هودار» به نقل از روابط عمومی این اداره کل، محمد بیگزاده روز گذشته اضافه کرد: در کالبدشکافی و معاینه لاشه توله‌های پلنگ تلف شده توسط دامپزشکان معتمد، آثار زخم در ناحیه گردن مشاهده شد که بر این اساس، درگیری فیزیکی با یک گونه وحشی دیگر که در نهایت منجر به خفگی و مرگ توله‌پلنگ‌ها





شهرستان اوز در استان فارس با کسب عنوان نهمین پایتخت کتاب ایران، جایگاه خود را به عنوان قطب فرهنگی جنوب کشور تثبیت کرد؛ این شهر کوچک با ۴۷ هزار نفر جمعیت که تنها ۶ سال از ارتقاییش به شهرستان می‌گذرد، پس از یک دهه حضور پیوسته در فهرست نامزدهای پایتختی کتاب، سرانجام این عنوان را از آن خود کرد. اوز پیش از جدایی از لارستان نیز همواره با فرهنگ کتاب و کتابخوانی عجین بود. پیشینه بلند این شهر در حوزه‌های فرهنگی و اندیشه‌ورزی، پایه‌گذار موفقیت‌های اخیر آن شده است. اوز پیشتر چندین بار به عنوان «شهر خلاق و دوستدار کتاب» انتخاب شده و در دوره‌ای رقیب شهرهای بزرگی مانند بوشهر و سمنان بود.

پیش از خواندن بسوزان!

مهرناز رزاقی

«به این شهر چه دادی، مونتاگ؟ خاکستر.»

بقیه به هم چه دادند؟

هیچ

«میشل فوکو» در درس گفتارهای کالژ دوفرانس می‌گوید: «هر جا قدرت باشد، مقاومت هم وجود دارد.» فازنه‌ای ۴۵۱ هم روایتی از قدرت است. این کتاب که در سال ۱۹۵۳ به‌عنوان یک اثر علمی-تخیلی منتشر شد، مانند تمام کارهای ری بردبری، راجع جامعه‌ای تمامیت‌خواه و اختناق‌سازی است که فرانسوا تروفو در سال ۱۹۶۶ آن را به‌تصویری می‌کشد. این فیلم به‌عنوان اولین اثر انگلیسی‌زبان تروفو، پتانسیل بالایی در میان فیلم‌های دیگر او مانند «چهارصد ضربه» و یا «به پیانیست شلیک کن» نداشت. این سرنوشت همه اعضای جامعه فازنه‌ای ۴۵۱ ری بردبری است که اطاعت‌کننده باشند. در جامعه دیستوپایی ارائه‌شده، دولت تمام تلاش خود را برای سرکوب افکار، ایده‌ها و آرزوهای مردم انجام می‌دهد. آن‌ها این کار را با کنترل زندگی خود از طریق تلقین تلویزیون انجام می‌دهند. کتاب‌ها، منابع دانش و الهام، بشدت ممنوع شده‌اند و تمام کتاب‌های باقی‌مانده باید سوزانده شوند. این کتاب همچنین بطور دقیق به نگرانی‌های بسیاری از آمریکایی‌ها در دوره زمانی آشفته پس از جنگ جهانی دوم می‌پردازد. طرح موضوع فازنه‌ای ۴۵۱ بسیار تحت تأثیر دوره زمانی که در آن نوشته شده، بود. دیوید سید (۱۹۹۴) در مقاله خود «پرواز از زندگی خوب» درباره فازنه‌ای ۴۵۱ در زمینه «پساجنگ دیستوپایای آمریکایی» می‌نویسد که داستان علمی تخیلی قرن بیستم به آینده نگاه می‌کند، نه با خوش‌بینی کسانی که بر این باورند که تسلط روزافزون انسان بر طبیعت شادی بیشتری را به همراه خواهد داشت، اما با بدبینی کسانی که بر این باورند که انسان هر چه بیشتر طبیعت را کنترل کند، آنازشی حاکم می‌شود که پس از جنگ جهانی اول شدت گرفت و در نتیجه، باعث شد واکنش شدید علیه ایده آرمان‌شهری که شکل رمان‌های دیستوپایی را به خود بگیرند. رمان‌های دیستوپایی این را نشان می‌دهند هر تلاشی برای ایجاد مدینه فاضله فقط اوضاع را بسیار بدتر خواهد کرد.

آثار بزرگ این سنت، مانند «دنیای قشنگ نو» ی آلدوس هاکسلی (۱۹۳۲) و جورج اورول با کتاب نوزده هشتاد و چهار (۱۹۴۹) الگویی را ایجاد می‌کنند که به‌وضوح در فازنه‌ای ۴۵۱ بردبری منعکس شده. لحن دیستوپیا، ناامید است و در تلاش ایجاد احساس ترس است. داستان‌های

دستوپایی قرن ۲۰ و ۲۱ ناشی از بسیاری از تردیدها و نگرانی‌هایی‌اند که تمدن مدرن پس از وحشت جنگ‌های جهانی و جنبه‌ی مخرب پیشرفت تکنولوژی تجربه کرده است. فازنه‌ای ۴۵۱ بنابراین فرهنگ مصرفی کاملاً جدا از آگاهی سیاسی را نشان می‌دهد؛ زندگی شخصیت‌ها تاریک، ترسناک و سرد است، در پس‌زمینه صدای بمب‌افکن‌های درحال عبور به گوش می‌رسد. ترس از جنگ هسته‌ای، قرص‌های آرام‌بخش‌ها و صدای بلند تلویزیون همه نمادی از این نگرش پاد-آرمانی هستند. فازنه‌ای ۴۵۱ از بسیاری جهات نماینده ادبیات پست‌مدرن است. از فرم و روایت شروع کنیم: سبک آن متا-تخیلی است، زیرا مرز بین داستان و واقعیت را محو می‌کند. نویسنده دائماً در مورد ارزش‌ها بحث می‌کند. رویدادها در مواقعی دارای یک راوی دانای کل سوم شخص هستند یا با استفاده از مونتاگ به عنوان سخنگو بیان می‌شوند. از هم‌پاشیدگی یا طرح نامتعارف نیز از ویژگی‌های متاداستان پست‌مدرن است که در فازنه‌ای ۴۵۱ دیده می‌شود. داستان از وسط شروع می‌شود، مونتاگ کتاب می‌سوزاند و از آن لذت می‌برد، سپس داستان به هنگامی که مونتاگ به اولین ملاقات خود با فابر فکر می‌کند، در یک فلش‌بک به گذشته می‌رود. «پارک سبز یک سال پیش... وقتی دید که آن پیرمردت و شلوار مشکی به سرعت چیزی را در کتشت پنهان کرده است.» (بردبری، ص ۳۴). بنابراین رمان مانند طرح‌های سنتی زمانی نیست.

تروفو هم شاید به معنایی توانست درخشش این اثر ادبی را در حوزه سینما بیشتر کند. برخلاف فیلمی که اخیراً بر اساس رمان ساخته شده، تروفو توانست همان آرایش که به گفته دلوز بهترین اثر برای رمان است، نمایش دهد. آنچه در ابتدای فیلم تا پایان آن یک مسیر پیوسته را طی می‌کند، نگرش مکانیکی است. جهان به‌مثابه ماشین، همه‌چیز در سیطره ماشین‌ها و فقدان احساس درونی است. در فیلم و کتاب مشاهده می‌کنیم که چگونه افراد خود را با قرص آرام نکه می‌دارند و چگونه در مبارزه با خاطرات بد، حافظه خود را پاک می‌کنند و حتی حیوانات نیز موجوداتی خودکار و ماشینی شده‌اند. بار سیاسی و جامعه‌شناختی این اثر، در زیر پوسته بازیگران و صحنه نهفته است، بار دیگر عشق و اهمیت به ادبیات را به نمایش می‌گذارد. فازنه‌ای ۴۵۱ تروفو که شاید مشکلاتی در طراحی صحنه و تغییراتی نسبت به رمان داشته باشد، اما با تلفیق واقعیت ادبیات و واقعیت سینما، چیزی را به نمایش می‌گذارد که منتقدان نسبت به آن بی‌توجه هستند، قدرت دیالوگ.

تروفو در این فیلم به‌دنبال چیست؟ او مفهوم نظارت اجتماعی را به تفسیر می‌کشد و در برابر این مفهوم طغیان

و مقاومت را. فوکو، مفهوم جامعه انضباطی را مطرح می‌کند، او معتقد است که با گسترش مکانسیم‌های انضباطی، این جامعه پدیدار می‌شود. در این جوامع نظم از طریق تکنولوژی‌های کنترلی همچون تفکیک فضا، مدیریت زمان، مراقبت و سیستم امتحان، که بر زندگی انسان‌ها به‌منظور بهنجارساختن رفتار اجتماعی اعمال می‌شود. منظور فوکو از جامعه انضباطی جامعه تحت انضباط یا کاملاً انضباط یافته نیست، زیرا هیچ انضباط و قدرتی بدون مقاومت پیش نمی‌رود. منظور از جامعه انضباطی، جامعه‌ای است که در آن مکانسیم‌های انضباط در سراسر پیکر جامعه پخش و منتشر می‌شوند. قدرت در سامان انضباطی بیش از آنکه به‌شکل سرکوب تجلی کند، در تولید سوزیه‌ها یا خویشستن‌های اجتماعی نمود می‌یابد که حکم ابژه کنترل بهنجارساز را دارند. همانطور که در فیلم حتی با بلندکردن موی پسر جوان هم مخالفت می‌شود و او مجبور به اطاعت است. هدف اصلی این جوامع، کنترل اجتماعی روان مجرمان است مانند فیلم که افرادی که کتاب می‌خوانند یا حتی کتاب نگهداری می‌کنند، مجرم هستند.

دوگانگی رمان و فیلم ساده است: اهمیت رمانتیک کتاب و خواندن، درحالی‌که تلویزیون و تماشای را به‌عنوان یک رسانه بی‌فکر محکوم می‌کنند، جاناتان الر ادعا می‌کند که فازنه‌ای ۴۵۱ «نمادی از اهمیت ادبی و خواندن در یک فرهنگ بصری فرازاینده است.» تلویزیون در اینجا تنها یک «رسانه معمول نیست، بلکه به‌عنوان ابژه فتیش شناخته می‌شود. این ابژه نماد تمام روابط انسانی و اجتماعی است، همانطور که مونتاگ در کتاب این تجربه را با عبارت (صحبت مداوم با میلدر) مطرح می‌کند. اما میلدر تنها یک فرد خیالی بی‌خطر نیست: او درخواست می‌کند، ایده تغییر دکوراسیون را می‌دهد. اما این تنها تلویزیون نیست که هم‌چنین سرنوشت را دارد. کتاب‌ها هم به‌نحوه‌ای فتیش‌گونه نمایش داده می‌شوند. دوربین بر

فراوانی و ویژگی‌های فیزیکی کتاب‌ها زوم می‌کند [صفحات ناشده، جلد، صدای افتادن آن‌ها روی هم - حتی همانطور که توسط شعله افکن مونتاگ می‌سوزند. مونتاگ حتی کلاسی را تدریس می‌کند. او به کارآموزان آتش‌نشانی در مورد چگونگی جست‌وجوی کتاب در داخل خانه‌ها توضیح می‌دهد. بردبری و تروفو هر دو نگاهی انسانی و وفادارانه نسبت کتاب داشتند، و شاید عشق آن‌ها به قدرت کلمات بود، که مونتاگ را بجای سوزاننده، به نجات‌دهنده تبدیل می‌کند. این نسخه از داستان به‌نوعی از تعقیب و گریز تبدیل می‌شود و کلید واقعی آینده بشریت را نه در خاطرات یک کلونی از مردم که کل کتاب‌ها را حفظ کرده‌اند، بلکه در DNA پرنده‌ای قرار می‌دهد که با تمام دانش بشری برنامه‌ریزی شده است. (مردم کتاب اینجا هستند، اما قابل مصرف هستند؛ این پرنده است که باید به هر قیمتی نجات یابد.)

در نهایت تروفو به بهترین شکل پایان فیلم ورق می‌زند. آنچه با آن روبه‌رو می‌شویم انسان‌های زیادی که در تلاش برای فرار از محدودیت ذهن هستند. ما، دو تزنبدیاد کافکا را به چشم می‌بینیم: «ادبیات به‌مثابه ساعتی که جلو می‌زند و تندتر از زمان حرکت می‌کند و همچنین ادبیات به‌مثابه دغدغه مردمی.» حتی شخصی‌ترین مقاومت هم تبدیل به امری جمعی می‌شود. البته این افراد تنها حافظ کتاب‌ها نیستند، بلکه خالق جهان جدیدی هستند. این میل به تغییر، به کتاب‌خوانی و حتی میل به انقلاب است که مونتاگ جدید را می‌سازد. در انتهای فیلم می‌بینیم که دیگر افراد هویت شخصی را رها کرده‌اند و خود را با نام‌های کتاب‌ها می‌خوانند. دلوز می‌نویسد: «میلی که حالا بوسیله بیان رها شده‌ای حمل می‌شود که محتوای آن از شکل افتاده را حمل کند تا به پهنه بی‌کران درون ماندگاری با عرصه عدالت برسد.» فیلم نشان می‌دهد که چگونه افراد با ترس از دست‌دادن دست‌وپنجه نرم می‌کنند و چگونه مکانسیم قدرت آن‌ها را مجبور به انتخاب می‌کند: کتاب یا مرگ.

در ایران اکسپو ۲۰۲۵؛ گذر موزه مشاهیر افتتاح شد

برقراری تعاملات تجاری در حوزه های مختلف مذاکره کنند. بیش از ۸۰۰ شرکت بزرگ ایرانی به مدت پنج روز محصولات و دستاوردهای خود را در معرض نمایش قرار می‌دهند.

همچنین این نمایشگاه میزبان ۲۵۰۰ تاجر از ۱۰۶ کشور و مقامات از ۳۹ کشور جهان است و از مهمان دعوت شده به این رویداد تجاری می‌توان به دبیرکل دی هشت، دبیرکل اکو، دبیرکل آیورا و شانگهای اشاره کرد.

ایجاد پیوند میان موزه ملی کارآفرینان بزرگ ایرانی، موزه ملی تجارت‌خانه‌های ایران و گذر موزه مشاهیر تجارت، تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی از دیگر اهداف این اقدام نمادین است.

در جریان برگزاری این نمایشگاه بیش از ۲ هزار شرکت و نمایندگان آنها از کشورهای مختلف دنیا به تهران آمده اند تا ضمن آشنایی با توانمندی های جمهوری اسلامی ایران، با بزرگ ترین شرکت های ایرانی برای

راستای شعار سال سرمایه‌گذاری برای تولید مقابل سازمان توسعه تجارت آغاز به کار کرد.

این گذر موزه با نمایش ۲۰ سردیس از کارآفرینان برتر و مشاهیر اقتصادی کشور در روزهای برگزاری نمایشگاه ایران اکسپو، در معرض دید بازدیدکنندگان ایرانی و خارجی قرار گرفته و اقدامی در راستای معرفی معرفی کارآفرینان و نمایش تاب‌آوری اقتصاد ملی در دوران تحریم است.

گذر موزه مشاهیر تجارت، تولید کنندگان و فعالان اقتصادی در راستای ادای احترام به تجار و کارآفرینان برتر ایرانی در نمایشگاه توانمندی‌های صادراتی کشور (ایران اکسپو ۲۰۲۵) افتتاح شد.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از اداره کل میراث فرهنگی استان تهران، گذر موزه مشاهیر تجارت، تولید کنندگان و فعالان اقتصادی همزمان با هفتمین نمایشگاه توانمندی‌های صادراتی ایران اکسپو در

سود معاملات رمزارز مشمول قابل مالیات ستانی است؟

کارشناس اقتصاد دیجیتال معتقد است سود معاملات رمزارزها می‌تواند با تصویب قانون، مشمول مالیات شود اما می‌توان با عرضه رمزاربی‌ها در بستر بورس، بر شفافیت این معاملات و مالیات‌ستانی از آن‌ها افزود.

با تصویب قانون مالیات بر عایدی سرمایه در مجلس شورای اسلامی و همچنین اظهارات جدید سازمان امور مالیاتی درباره مشمول مالیات بودن سود معاملات رمزارزها، بار دیگر بحث بر سر جایگاه حقوقی و مالی این دارایی‌های نوین در ایران مورد توجه قرار گرفته است.

مرجان نکوآمال، معاون دفتر حسابرسی سیستمی سازمان امور مالیاتی، اعلام کرده که سود حاصل از خرید و فروش ارز دیجیتال «درآمد» محسوب می‌شود و مشمول مالیات است. این تصمیم، گامی مهم در جهت شناسایی و سازمان‌دهی فعالیت‌های نوظهور مالی ارزیابی می‌شود. هرچند، به گفته کارشناسان، همراهی آن با توسعه زیرساخت‌های اجرایی و تکمیل فرایندهای نظارتی، می‌تواند نقش مهمی در تحقق عدالت مالیاتی ایفا کند.

علاوه بر آن، به تازگی بانک مرکزی در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که تمام صاحبان کسب و کار و فعالان تبادلات حوزه رمزارز (کارگزاران مبادله رم‌پول) که تاکنون جهت آغاز فرآیند اخذ مجوز رسمی، به ایفای تعهدات لازم و ارسال مستندات درخواستی این بانک اقدام ننموده اند حداکثر تا تاریخ ۲۰ اردیبهشت فرصت دارند برای اخذ موافقت اصولی اولیه، مدارک خود را به بانک مرکزی ارسال نمایند. در همین راستا با عیسی کشاورز عضو انجمن صرافان رمزارز ایران و فعال صنعت کریپتو به گفت و گو نشستیم؛ کشاورز در پاسخ به اینکه آیا رمزارزها قابلیت مالیات‌پذیری دارند، تصریح کرد: رمزارزها در بستر بلاک‌چین فعالیت می‌کنند که ذاتاً شفاف و قابل رهگیری است. برخلاف برخی برداشته‌ها، این دارایی‌ها پنهان‌کارانه نیستند و با استفاده از ابزارهای فنی و قانونی، می‌توان تراکنش‌های انجام‌شده را با دقت تحلیل و مستندسازی کرد.

وی ادامه داد: در صرافی‌های دیجیتال داخلی، فرآیند احراز هویت با دقت اجرا می‌شود. بنابراین، می‌توان مشخص کرد که چه کاربری چه ارزی را خریداری کرده و به چه مقصدی منتقل کرده است؛ این ویژگی‌ها زمینه‌ساز اجرای دقیق و

منصفانه سیاست‌های مالیاتی است.

کشاورز تأکید کرد: بهره‌گیری حداکثری از این ظرفیت‌ها، نیازمند طراحی ابزارهای متناسب با شرایط بومی و تدوین دستورالعمل‌های مشخص است.

وی افزود: با نگاه علمی و مرحله‌ای، می‌توان این حوزه را به‌شکلی هدفمند در ساختار مالی کشور جای داد، بدون اینکه اختلالی در جریان نوآوری‌های دیجیتال ایجاد شود.

عضو انجمن صرافان رمزارز ایران با اشاره به تجربه بازار سرمایه گفت: در بورس ایران، با هر فروش سهام، درصدی به عنوان مالیات برداشت می‌شود. این فرآیند شفاف و سیستمی است. در بازار رمزارز نیز می‌توان سازوکار مشابهی تعریف کرد، البته با توجه به تفاوت‌های ماهوی این بازار، نیاز به چارچوب‌های تخصصی‌تر و هماهنگی میان دستگاه‌های ذی‌ربط احساس می‌شود.

وی ادامه داد: یکی از اقدامات مهم در سال‌های اخیر، نظام‌نامه شورای عالی فضای مجازی بود که رویکردی بین‌بخشی را نسبت به رمزارزها ارائه کرد. در این نظام‌نامه، نقش هر دستگاه از جمله بانک مرکزی، وزارت صمت، وزارت نیرو و سازمان بورس مشخص شده که می‌تواند به ساماندهی این فضا کمک کند.

کشاورز با اشاره به رویکرد تدریجی کشورها در قانون‌گذاری حوزه رمزارزها، تأکید کرد: در ایران نیز فرصت مناسبی وجود دارد تا با نگاه تخصصی، هم از ظرفیت‌های اقتصادی رمزارز بهره‌مند شد و هم نظارت‌ها را به‌گونه‌ای طراحی کرد که همسوا با منافع عمومی باشد.

صادرات ۲۰۰ میلیون دلاری منطقه آزاد ارس

«هادی مقدم‌زاده» مدیرعامل منطقه آزاد ارس- با اشاره به صادرات ۲۰۰ میلیون دلاری این منطقه در سال گذشته گفت: میزان صادرات به جمهوری آذربایجان ۱۱ میلیون دلار و واردات از آن ۱۲ هزار دلار بوده است. برگزاری همایش مشترک اقتصادی میان جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران موبد این است که قصد داریم تعاملات و مراودات را در حوزه‌های مختلف، خصوصاً حوزه‌های تجاری گسترش دهیم. با توجه به زمینه‌هایی که به لحاظ موقعیت جغرافیایی و هم‌مرزی با کشورهای حوزه قفقاز و اوراسیا داریم و همچنین با توافقات صورت گرفته در زمینه تکمیل راه‌های مواصلاتی آذربایجان به نخجوان، احداث خط ریلی و سایر موضوعات در توافق نامه کلی، بسترهای مناسبی داریم که می‌توانیم از آن در حوزه‌های مختلف استفاده کنیم.

پنج‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ شماره ۱۸۰۲

دنیایکسوادار

جمعه

داستان جلد

کارگر و یک روز جهانی و هزار درد بومی؛

زخمی بردست، زنجیری بر سیاست

مشاغل، نشانه‌ای از «پرولتاریزاسیون نوین» در ایران است؛ نسخه‌ای مدرن از بی‌ثباتی کار. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، کارگر نه یک بازیگر اجتماعی که صرفاً یک «هزینه تولید» تلقی می‌شود. او در نمودارها و بودجه‌ها، جایی بین «هزینه نیروی انسانی» و «مخارج جاری» ثبت می‌شود؛ نه به‌عنوان انسان، نه به‌عنوان صاحب تجربه، نه حتی به‌عنوان یک شهروند با حق شنیده شدن؛ اما بیایید صادق باشیم: اگر چرخ تولید می‌چرخد، اگر نانوبی هست، اتوبوس هست، بسته‌های پستی می‌رسند، کارخانه‌ها برق دارند و بیمارستان‌ها تمیزند، همه به یمن وجود کسانی‌ست که کمتر از همه دیده می‌شوند: کارگران.

آینده‌ای هست، اگر ببینیم

واقعیت این است که بدون بازیگری در سیاست‌های اشتغال، بیمه، ایمنی کار و توزیع دستمزد، نه فقط کارگر که اقتصاد ملی در مسیر زوال حرکت می‌کند. اگر «ثروت ملی» مفهومی واقعی است، باید بپذیریم که کارگر، نخستین و مهمترین تولیدکننده آن است. نخستین گام برای احترام به کارگر، دیدن اوست: در آمارها، در سیاست‌ها، در رسانه‌ها، و مهم‌تر از همه، در تصمیمات اقتصادی کلان.

تا زمانی که این «دیدن» اتفاق نیفتاده، روز جهانی کارگر در ایران، فقط یک تقویم خالی خواهد بود؛ نه یک مناسبت واقعی برای پاسداشت انسان‌هایی که با دست‌های پینه‌بسته‌شان، این سرزمین را ساخته‌اند.

اما این «دیدن» چیست و چگونه ممکن می‌شود؟ دیدن کارگر، یعنی فهم این‌که نیروی کار، نه یک ورودی خام در معادله تولید، بلکه موجودیتی انسانی با نیاز، حق، هویت، و کرامت است. دیدن کارگر یعنی خروج از نگاه ابزارگراییانه به کار؛ نگاهی که او را تنها تا زمانی به رسمیت می‌شناسد که بازدهی دارد، نه تا وقتی که زندگی دارد. تا زمانی که سیاست‌گذاری در ایران بر مبنای آمارهای ناقص، نگاه‌های کوتاه‌مدت، رانت‌های پشت پرده و منطق واردات بی‌رویه باشد، طبقه کارگر تنها چیزی‌ست که همیشه باید هزینه بدهد؛ برای اشتباه دیگران، برای بی‌برنامگی ساختاری، و برای اقتصادی که اولویت آن «دیده شدن در مجامع بین‌المللی» است، نه بهبود زندگی شهروندانش.

روز جهانی کارگر، نباید فقط بهانه‌ای برای سخنرانی‌های رسمی و مراسم‌های نمادین باشد. اگر قرار است این روز معنا داشته باشد، باید به سیاست‌های عملیاتی و تغییرات ساختاری گره بخورد: از اصلاح قانون کار و گسترش چتر حمایتی بیمه، تا کاهش شکاف جنسیتی در بازار اشتغال، تا حمایت واقعی از کارگاه‌های کوچک، و مهم‌تر از همه، به رسمیت شناختن صدای کارگران در عرصه‌های تصمیم‌گیری. نکته درندکان اینجاست که در ایران، مفهوم «نماینده کارگری» به شکلی فرمالیستی و از بالا به پایین اعمال می‌شود. کارگران نه شوراهای آزاد دارند، نه رسانه‌های مستقل، و نه تربیونی برای پیگیری حقوق خود. این خلأ ساختاری، کارگر ایرانی را نه فقط در برابر کارفرمای قدرتمند، بلکه در برابر یک نظام اقتصادی - حقوقی بی‌طرف، بی‌پناه کرده است. چنین وضعیتی ساختارمند، با مفاهیم عدالت اجتماعی، توسعه پایدار و کرامت انسانی در تضاد مطلق است.

امروز اگر از «اقتصاد مقاومتی» سخن می‌گوییم، باید بدانیم هیچ مقاومتی بدون نیروی کار با انگیزه، ایمن، و با عزت ممکن نیست. کارگری که بیمه ندارد، قرارداد ندارد، صدایی در هیأت‌های تصمیم‌گیر ندارد و در رسانه‌ها غایب است، چگونه می‌تواند عضوی پایدار در مقاوم‌سازی اقتصاد کشور باشد؟ مقاومت ملی، از احترام به زیربنای آن یعنی کارگران آغاز می‌شود.

باید توجه داشت که بحران فراموشی کارگر، فقط مسئله‌ای

ایمان روزبانه

کارگران، نه فقط بازوان تولید، که ستون‌های بی‌صدا و بی‌ادعای بقای اجتماعی‌اند. اما در سرزمینی که هر سیاست اقتصادی، به‌جای حساب و کتاب انسانی، بر محور واردات و ترازهای دفتری می‌چرخد، جای تعجب نیست که کارگر، نخستین حلقه‌ای باشد که قربانی می‌شود و آخرین کسی باشد که دیده می‌شود. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی - احمد میردی - به مناسبت روز جهانی کارگر، جمله‌ای کلیدی را مطرح کرد: «فراموشی کارگر، فراموشی تولید و ثروت است». این جمله اگرچه شعاری به‌نظر می‌رسد، اما در دل خود یک فاجعه آرام و خزنده را حمل می‌کند: مرگ تدریجی طبقه کارگر در سکوت.

اقتصاد وارداتی، مرگ تدریجی معیشت

شاید مهم‌ترین بخش گفته‌های وزیر، به جهش عجیب واردات منسوجات از ۲۰۰ میلیون دلار به ۶۰۰ میلیون دلار طی پنج سال گذشته بازگردد؛ آماري که در ظاهر صرفاً یک داده تجاری است، اما در واقعیت، ده‌ها هزار کارگاه خانگی، دوزنده کوچک و کارگر روزمزدی را از چرخه کار و زیست بیرون انداخته است. آن‌چه دیده نمی‌شود - و وزیر نیز از آن با عنوان «زبان خاموش» یاد می‌کند - همین خسران‌های بی‌صدا و بی‌دریاست که به نام «اصلاح بازار» و «تسهیل تجارت» انجام می‌شوند. اما قربانی اصلی‌شان، معیشت میلیون‌ها نفر است.

سیاست‌های واردات‌محور، اغلب در خدمت سود سریع‌اند، نه توسعه پایدار. نتیجه‌اش هم روشن است: کارگر ایرانی، با دستمزدی ناچیز و امنیت شغلی صفر، در رقابتی نابرابر با محصولات ارزان وارداتی از چین و ترکیه و آسیای جنوب شرقی قرار می‌گیرد؛ رقابتی که از قبل شکست‌خورده است.

آمارهای خاموش، کارگران بی‌نام

در صنعت پوشاک، هیچ آمار رسمی و جامعی درباره تعداد شاغلان، اخراج‌شدگان یا حتی آسیب‌دیدگان وجود ندارد. این فقدان داده، نه فقط نشانه فقر آماری، که نشانه‌ای از بی‌اعتنایی ساختاری است. چگونه می‌توان از سیاست‌گذاری مؤثر سخن گفت، وقتی حتی نمی‌دانیم دقیقاً چه کسانی آسیب دیده‌اند؟ ترازدی بندر شهید رجایی نیز همین مسئله را بازتاب داد. وزیر به‌صراحت گفت که نمی‌دانیم چه کالایی با چه طبقه‌بندی وارد کشور می‌شود. نتیجه؟ جان بیش از صد کارگر در خطر می‌افتد، بدون اینکه حتی سازوکاری برای رصد ایمنی وجود داشته باشد. وقتی زیرساخت‌های ایمنی، آموزش‌های ایمنی شغلی و نظارت فنی وجود ندارد، جان انسان‌ها کالایی کم‌ارزش‌تر از همان منسوجات وارداتی می‌شود.

زنانه‌سازی بی‌ثباتی؛ شکاف جنسیتی یا رانت جنسیتی؟

در گزارش آماری جدید وزارت تعاون، نکته قابل‌توجهی مطرح شد: سهم زنان در بازار کار افزایش یافته، اما نه به‌عنوان پیروزی بر تبعیض، بلکه به‌عنوان ابزار تازه‌ای برای بهره‌کشی. میانگین دستمزد زنان ۱۴.۲ میلیون تومان است، درحالی‌که برای مردان ۱۶.۴ میلیون تومان. همین فاصله دستمزد، کارفرمایان را ترغیب می‌کند که از نیروی کار زن بیشتر استفاده کنند. نتیجه، رشد شکلی سهم زنان در استخدام است، اما نه در قدرت چانه‌زنی، نه در امنیت شغلی، نه در پوشش بیمه‌ای، نه در مناصب تصمیم‌گیر. از سوی دیگر، با تشدید رکود، مردان بیشتری به سمت مشاغل غیررسمی رانده می‌شوند؛ رانندگان تاکسی اینترنتی، کارگران روزمزد، فروشندگان دوره‌گرد... این شغل‌ها نه بیمه دارند، نه قرارداد، نه آینده. رواج این نوع



اقتصادی نیست. این بحران، به شکلی خزنده به حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی روانی نفوذ کرده است. نگاهی به تبلیغات تلویزیونی، محتوای سینمایی، یا ادبیات رسمی نشان می‌دهد که کارگر ایرانی، عمدتاً یا غایب است یا در نقشی کاریکاتوری و تحقیرآمیز ظاهر می‌شود. این حذف نمادین، همان‌قدر خطرناک است که حذف واقعی در سیاست‌های اقتصادی؛ زیرا تصور جمعی را از شأن اجتماعی نیروی کار تضعیف می‌کند. کارگر ایرانی امروز نه فقط با تورم و ناامنی شغلی دست‌وپنجه نرم می‌کند، بلکه با نوعی بی‌صدا شدن سیستماتیک نیز مواجه است. زبان اعتراضش یا به رسمیت شناخته نمی‌شود یا به‌سرعت امنیتی می‌شود. او به‌ندرت مجال بیان خواسته‌های صنفی‌اش را در فضای عمومی دارد. اعتراضات کارگری، اگر جایی ثبت می‌شوند، نه در اخبار سراسری که در گوشه‌ای از شبکه‌های اجتماعی یا با برچسب‌هایی که هرگز واقعیت را نمایندگی نمی‌کنند.

برای آنکه روز جهانی کارگر در ایران، به یک مناسبت حقیقی بدل شود، ابتدا باید صدای کارگر را بازشناسی کنیم؛ باید او را از حاشیه به مرکز بازگردانیم. به جای آن‌که نیروی کار را صرفاً به‌عنوان یک «مشکل» یا «چالش» در گزارش‌های اقتصادی ببینیم، باید او را به عنوان یک «راه‌حل» و یک «شریک توسعه» در نظر بگیریم. هیچ سیاست صنعتی، تجاری، کشاورزی یا خدماتی بدون مشارکت فعال، ایمن، آگاه و محترمانه کارگران، به نتیجه نخواهد رسید؛ و در نهایت، روز جهانی کارگر فرصتی‌ست برای بازتعریف نسبت خودمان با مفهوم کار؛ آیا هنوز هم کار را صرفاً فعالیتی برای بقا می‌بینیم؟ یا آن را شکلی از مشارکت در زیست جمعی، آفرینش اجتماعی و تولید معنا می‌دانیم؟

اگر دومی را باور کنیم، آن‌گاه دیگر کارگر، نه ابزاری برای «پیشرفت ملی»، که خود «نماد پیشرفت ملی» خواهد بود و در این مسیر، روز جهانی کارگر، نه فقط یک روز در تقویم، که باید یک نقطه عطف در بازاندیشی عدالت اجتماعی و همبستگی انسانی باشد.

استقلال، ایتالیایی می‌شود؟

محمدرضا تاج‌دوزیان

از باشگاه استقلال خبر می‌رسد رویای مدیران آبی‌پوشان برای نشستن والتر ماتزاری روی نیمکت این تیم در حال تبدیل شدن به واقعیت است و مربی مطرح ایتالیایی به زودی با استقلال قراردادی یک ساله امضا خواهد کرد.

تیم فوتبال استقلال فصل عجیب و پر چالشی را تا اینجای کار پشت سر گذاشته است. هدایت این تیم را در ابتدای فصل جواد نکونام بر عهده داشت، اما پس از شکست در شهرآورد رفت و بازی با السد قطر در لیگ نخبگان آسیا، از سرمربیگری این تیم کنار رفت و سهراب بختیاری‌زاده به عنوان سرمربی موقت جانشین نکونام شد.

سپس، پیتر موسیمانه در نیم فصل اول با آبی‌پوشان قرارداد همکاری امضا کرد، اما در ابتدای نیم فصل دوم قراردادش را به طور یک‌طرفه فسخ کرد تا دوباره نوبت به بختیاری‌زاده برسد و سرمربی موقت شود.

این جابه‌جایی باز هم دوامی نداشت و او پس از پیروزی مقابل الریان قطر و صعود به مرحله بعدی لیگ نخبگان آسیا با انتشار پیامی در صفحه شخصی‌اش استعفا کرد تا محمد نوازی چهارمین سرمربی استقلال در لیگ بیست‌وچهارم شود.

در ادامه میودراگ بوژوویچ آمد، اما حضور این مربی صربستانی هم دوام زیادی نداشت. بوژوویچ که به امید نجات این تیم از شرایط بحرانی روی نیمکت آبی‌ها نشست، در ۹ مسابقه‌ای که هدایت تیم را برعهده داشت، موفق به کسب پیروزی نشد تا کاسه صبر مالکان استقلال لبریز شود و آن‌ها چند روز مانده به بازی با پیکان وی را برکنار و مجتبی جباری، ستاره اسبق و مربی کنونی این تیم را به عنوان سرمربی موقت جانشین وی کنند.

اگرچه استقلال موفق شد با جباری به هفته‌ها ناکامی پایان داده و با پیروزی مقابل پیکان به مرحله نیمه‌نهایی جام حذفی صعود کند، اما مدیران استقلال به صورت رسمی اعلام کردند، همچنان به دنبال جذب یک سرمربی مطرح خارجی برای فصل آینده هستند.

آن‌ها به هواداران این تیم وعده دادند در لیگ بیست‌وپنجم یک سرمربی نامدار و بزرگ که کارنامه درخشانی دارد، هدایت این تیم را بر عهده خواهد گرفت تا خاطره یک فصل کابوس‌وار به فراموشی سپرده شود.

مدیران استقلال با توجه به مذاکراتی که با چند گزینه نهایی و خارجی خود داشتند، روی انتخاب والتر ماتزاری، سرمربی مطرح ایتالیایی به جمع‌بندی رسیدند تا بار دیگر پرونده او باز شود.

ماتزاری که در مذاکرات چند ماه پیش خود با استقلال در یک قدمی عقد قرارداد داشت اما به یکباره با پیشنهاد دو بند عجیب از امضای آن خودداری کرد، این بار بر خلاف گذشته از مواضع خود کوتاه آمده و دیگر از شرط‌های جنجالی او خبری نیست.

این مربی ایتالیایی در روزهای گذشته مذاکرات متعددی با مسئولان باشگاه داشته است. مذاکراتی که گفته می‌شود به خط پایان نزدیک شده و او قرار است قراردادی یک ساله با باشگاه استقلال امضا کند.

در توافقاتی که او با باشگاه داشته و قرار است به زودی از آن رونمایی شود، وی سه دستیار با خود به ایران خواهد آورد، اما به احتمال زیاد مجتبی جباری و هادی شکوری مربیان ایرانی‌ای خواهند بود که در کنار ماتزاری حضور خواهند داشت.



انتخابی تنیس روی میز دختران نوجوان

مسابقات تنیس روی میز انتخابی نوجوانان دختر برای حضور در مسابقات قهرمانی آسیا به میزبانی تهران برگزار شد. رقابت‌های انتخابی تیم تنیس روی میز نوجوانان دختر کشور پس از دو روز رقابت فشرده در سالن شهید عضدی تهران به پایان رسید و وانیایوری از استان کرمانشاه با ۲۲ امتیاز و بدون شکست به مقام قهرمانی دست یافت، الینا ابراهیمی از استان فارس با ۲۰ امتیاز عنوان نایب‌قهرمانی را از آن خود کرد و نادیا عابد از استان تهران با ۱۹ امتیاز در جایگاه سوم ایستاد و الینا منصف از استان مازندران با ۱۸ امتیاز مقام چهارم را به دست آورد. افراد اول تا چهارم این رقابت‌ها به عضویت تیم تنیس روی میز نوجوانان دختر کشور درآمدند.



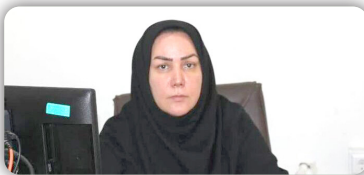
پنج شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۲

دنیای سوادار

ورزش

بهداشت

کشف و پلمب مرکز عرضه ۵۰ کالای سلامت محور غیرمجاز در کرج



همچنین در صورت مشاهده هرگونه فعالیت مشکوک، موضوع را از طریق سامانه ۱۹۰ گزارش دهید.

طب سنتی در کرج شناسایی، توقیف و پلمب شد. وی افزود: «این اقدام توسط تیم مشترکی از کارشناسان اداره پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالای سلامت‌محور، اداره نظارت بر فرآورده‌های طبیعی، سنتی و مکمل معاونت غذا و دارو، اداره نظارت بر درمان دانشگاه علوم پزشکی البرز و با همکاری پلیس امنیت اقتصادی استان انجام شد. دکتر دانی در پایان به شهروندان هشدار داد: «برای تهیه هرگونه دارو، مکمل و فرآورده‌های گیاهی و سنتی، تنها به داروخانه‌ها و مراکز مجاز مراجعه کنید.

معاون غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی البرز از شناسایی و پلمب یک مرکز غیرمجاز عرضه داروهای گیاهی و محصولات سنتی در کرج خبر داد؛ مرکزی که به‌صورت غیرقانونی اقدام به فروش بیش از ۵۰ قلم کالای سلامت‌محور قاچاق و بدون مجوز کرده بود. به گزارش «دنیای هوادار»، دکتر مریم دانی، معاون غذا و دارو دانشگاه، اعلام کرد: «در پی دریافت گزارش‌های مردمی و انجام بررسی‌های میدانی، یک واحد غیرمجاز عرضه داروهای گیاهی و فرآورده‌های

گزارش فدراسیون بین‌المللی موی‌تای از دوره‌های بین‌المللی اخیر در ایران؛ رویدادی که پیوند IFMA و انجمن موی‌تای را مستحکم‌تر کرد

آیدین، رئیس کمیسیون پزشکی IFMA تمرینات جسمانی داوران و قضاوت - گونتر پلانک و پورجای لیتوننگکام، کمیته داور IFMA قوانین WMC - آجارن تانانگ، رئیس داوران ورزشگاه لپیننی حفاظت و ایمنی روانی و اجتماعی ورزشکاران - جیمز تاکر و کیتی هارت، مدیران Real World Academies تغذیه - جانیس لین، مدیر ورزشی IFMA قوانین و مقررات IFMA - گونتر پلانک، ناظر ارشد IFMA در سخنرانی آغازین، آقای فاکس به اصول المپیک اشاره کرد و نقش ورزش در تقویت درک فرهنگی و ترویج صلح را مورد تأکید قرار داد. این سمینار که شامل ۱۵ جلسه در طول سه روز بود، موفقیتی چشمگیر به شمار می‌رود؛ به شکلی که دانش و مهارت شرکت‌کنندگان را ارتقا داد و پیوند میان IFMA و انجمن موی‌تای ایران را مستحکم‌تر کرد.

شود. این سمینار به‌طور رسمی با حضور دکتر اسبقیان، معاون وزیر ورزش و جوانان افتتاح شد که بر ارتباط قوی و مهم میان انجمن موی‌تای جمهوری اسلامی ایران و IFMA (فدراسیون جهانی موی‌تای) تأکید کرد. آقای جواد نصیری، رئیس انجمن موی‌تای ایران، سفر هیأت بلندپایه از پادشاهی تایلند به سرپرستی آجارن چاو و کرو آید را در کنار جانیس لین (مدیر ورزشی IFMA) و استفان فاکس (دبیرکل IFMA) خوش‌آمد گفت. آقای نصیری با افتخار همکاری میان فدراسیون موی‌تای ایران و IFMA را برجسته کرد و از گنجاندن این ورزش در رویدادهایی مانند بازی‌های همبستگی اسلامی و بازی‌های آسیایی جوانان تمجید کرد. دبیرکل IFMA ضمن خوش‌آمدگویی به شرکت‌کنندگان، سخنرانان کلیدی و جلسات مهم سمینار را معرفی کرد، از جمله: رهیافت موی‌تای به سوی پنج حلقه المپیک - استفان فاکس، دبیرکل IFMA ورزش پاک - جانیس لین، مدیر ورزشی IFMA سلامت و ایمنی ورزشکاران در IFMA - دکتر اردوغان



فرهاد غلامعلی

وب سایت رسمی فدراسیون بین‌المللی موی‌تای در گزارشی مفصل، ضمن تشریح بخش‌های مختلف دوره اخیر بین‌المللی در کشورمان، از آن به عنوان یک دستاورد مهم در جهت مستحکم‌تر ساختن پیوند میان IFMA و انجمن موی‌تای ایران یاد کرد. در این گزارش آمده است: بیش از ۱۰۰ نفر از جمله مربیان ملی دارای گواهینامه از مناطق مختلف کشور، در دوره آموزشی مربیگری IFMA که به مدت سه روز در جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، شرکت کردند. با هدایت آقای جواد نصیری، موی‌تای به طور کامل توسط کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است. این به رسمیت‌شناسی باعث شد که کارگاه در آکادمی ملی المپیک و با حمایت کامل کمیته ملی المپیک برگزار

دوره مربیگری والیبال مردان در خرم‌آباد برگزار شد؛ پربار و درخشان برای مربیان

اصغر قلندری



دبیر فدراسیون بود، در حال حاضر نیز به عنوان دبیر کل فدراسیون والیبال یار ویاور مهندس تقوی و والیبال ایران است. هیأت والیبال استان لرستان با قبول میزبانی چندین دوره کلاس‌های مربیگری، داور و ارتقای مربیگری در چند سال اخیر نشان داده است که به دنبال اهداف و برنامه ریزی‌های خاص در راستای رشد و توسعه و پیشرفت والیبال استان لرستان می‌باشد.

طبق گفته‌های مدرسین کلاس و فرشاد تازرونی پاسور خوش پنجه و کهنه کار والیبال گلپایگان و یکی از شرکت‌کننده‌های این کلاس، پیگیری‌های رمضان کولیوند، مرد خستگی‌ناپذیر والیبال لرستان در تمامی دوره‌های آموزشی اعم از تئوری و عملی مربیگری و همچنین کلاسهای داور نقش بسزایی ایفا کرده که قابل تقدیر است. مطمئناً تداوم برگزاری کلاس‌های مربیگری و داور در شهرستان‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

این حرکت سازنده مسئولان هیأت والیبال استان لرستان در حالی بطور مستمر به اجرا در می‌آید که

دوره مربیگری یک هفته‌ای ارتقای درجه ۳ به ۲ آقایان که از سوم اردیبهشت ماه در خرم‌آباد لرستان شروع شده بود روز دوشنبه نهم اردیبهشت به پایان رسید. مدرسین این کلاس پُر بار استاد عباس امانی از کرمانشاه و استاد محمد حسنود از استان لرستان بودند که سوابق درخشانی در والیبال دارند به ویژه عباس امانی که از بازیکنان طراز اول و استخوان کرده والیبال کرمانشاه واز جمله مدیران کل ورزش و جوانان این استان بشمار می‌آید. این کلاس با حضور ۲۵ مربی از ۸ استان، ایلام، لرستان، کرمانشاه، اصفهان، تهران، خراسان رضوی، همدان و خوزستان برگزار شد.

بدون تردید استان لرستان که روزگاری در والیبال کشور حرف‌های زیادی برای گفتن داشت و بازیکنان بزرگی مانند ماشالله فرخ‌منش و امیرحسین منظمی دو بازیکن نامدار و صاحب تکنیک از این استان به تیم ملی راه پیدا کرده بودند که دکتر منظمی که دوران ریاست احمد ضیایی رئیس پیشین فدراسیون

رؤسای برخی استان‌ها نه تنها با والیبال بیگانه اند که مربیان و دلسوزان والیبال استان را نمی‌شناسند و نقش دکوری و تشریفاتی دارند! به هر حال یک اقدام ارزشمند دیگر از سوی هیأت والیبال لرستان و کمیته کوشای آموزش این استان جلوه گر شد که عملکرد ستودنی در جهت دانش افزایی و ارتقای مربیان و داوران خود و داوطلبان سایر استان‌ها بویژه صیانت از نام پُرآوازه والیبال بازان قدیمی دیار همیشه خرم لرستان گام برمی‌دارند. با یک خدا قوت زحمات مردان پُر تلاش و زحماتش کادر اجرایی و مدرسین با دانش فدراسیون والیبال را ارج می‌نهم.



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۰۲

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان **ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی**، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

میراث باشکوه خلیج فارس از دیروز تا امروز

بزرگ‌ترین خلیج

به طول حدود ۱,۰۰۰ کیلومتر و
عرضی میان ۱۸۰ تا ۳۵۰ کیلومتر،
این خلیج یکی از بزرگ‌ترین
خلیج‌های جهان است.



۱۸۰۰ کیلومتر

ایران دارای بیشترین مرز آبی
مشترک با خلیج فارس است. عراق،
کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات
و عمان دیگر کشورها هستند.

عمیق



عمیق‌ترین نقطه خلیج فارس
۹۳ متر و کم عمق‌ترین آن ۱۰ الی
۳۰ متر است

روز ملی خلیج فارس



روز ۱۰ اردیبهشت به عنوان روز ملی خلیج فارس
نام‌گذاری شده است، به یاد اخراج پرتغالی‌ها از
تنگه هرمز در دوران صفویان.

حدود ۳۰ درصد



ذخایر نفت جهان در حوضه
خلیج فارس قرار دارد.

حمل و نقل دریایی

بیش از ۵۰ درصد
نفت صادراتی جهان از
طریق این آبراه صورت
می‌گیرد.

اهمیت اقتصادی

نام آن در سنگ‌نوشته‌های
داریوش بزرگ در کاخ تخت
جمشید نیز ذکر شده است



تاریخچه

نام «خلیج فارس» از متون باستانی کهن گرفته
شده و در اسناد تاریخی یونانیان (مانند آثار
هرودوت) و تمام نقشه‌های قدیمی جهان به این
اسم آورده شده است



صنعت شیلات

خلیج فارس یکی از منابع اصلی صید
ماهی و سایر غذاهای دریایی برای
کشورهای اطراف است.

اهمیت سیاسی

آبراه هرمز

تنگه هرمز، که خلیج فارس را به دریای
عمان متصل می‌کند، یکی از حیاتی‌ترین
مسیرهای تجارتي جهان است. هرگونه
تنش در این منطقه می‌تواند بر بازارهای
جهانی تأثیرگذار باشد.

پایگاه نظامی

به دلیل اهمیت استراتژیک، برخی
از کشورهای جهان، به‌ویژه ایالات
متحده، پایگاه‌های نظامی در این
منطقه دارند.